

فصلنامه علمی- پژوهشی رهپایان

سال یازدهم، شماره ۴۱، زمستان ۱۳۹۶
صفحه ۳ تا ۲۶

بررسی کنش گفتاری امنیتی کردن «انقلاب اسلامی» توسط روسای جمهور ایالات متحده

سید جلال دهقانی فیروزآبادی / استاد گروه روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

نیما رضایی / دکتری روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی nrir2020@gmail.com

چکیده

مفهوم «امنیتی کردن» یکی از اجزا و انگاره‌های اصلی مکاتب «کپنهاگ» و «پاریس» می‌باشد. این پژوهش در پی پاسخ به این سوال اصلی که «اقدامات ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی را با کدامیک از نظریات امنیتی بهتر می‌توان تبیین یا فهم نمود؟» این فرضیه ارائه می‌گردد که «ابزارهای غیرعادی نظیر پیگیری سیاست، تحریم اقتصادی، تهاجم نظامی به خاک ایران، رویارویی دریایی در خلیج فارس و ... که ایالات متحده آن‌را در مواجهه با «جمهوری اسلامی» به کار می‌گیرد، به واسطه «امنیتی کردن» «انقلاب اسلامی» توسط روسای جمهور مختلف ایالات متحده می‌باشد». بنابراین نظریه «امنیتی کردن» به کار گرفته می‌شود، زیرا در «امنیتی کردن» (متأثر از مکتب کپنهاگ)، بازیگر امنیتی‌کننده (روسای جمهور ایالات متحده)، موضوع امنیتی (انقلاب اسلامی) را تهدیدی برای بقای یک مرجع (ملت یا امنیت ملی ایالات متحده و ...) تعریف می‌نمایند که حق بقا دارند. در بقاء، نقطه‌ای بدون بازگشت وجود دارد که نشان می‌دهد برای عمل کردن خیلی دیر شده است، لذا نمی‌توان این موضوع را به سیاست عادی محول کرد. به این دلیل بخش امنیتی‌کننده به منظور بقای مرجع، از ابزارهای غیرعادی (پیگیری سیاست تغییر نظام و ...) استفاده می‌نماید. ابزارهایی که در شرایط عادی غیر قابل توجه هستند و مشروع قلمداد نمی‌شوند و با امنیتی کردن «انقلاب اسلامی»، ملت ایالات متحده و حتی جهان غرب متقاعد می‌گردند که به‌کارگیری چنین ابزارهای غیرعادی و اتخاذ چنین اقداماتی را تحمل نمایند.

کلیدواژه: مکتب کپنهاگ، امنیتی کردن، کنش گفتاری، بازیگران امنیتی‌کننده، ابزارهای غیرعادی، انقلاب اسلامی.

تاریخ تأیید ۱۳۹۶/۹/۳۰

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۰۸/۱۶

مقدمه

تأکید بر وجود «حقیقت عینی» که می‌توان آن را کشف نمود، یکی از جنبه‌های اصلی رویکرد معرفت‌شناسانه «اثبات‌گرایی (پوزیتیویسم)» می‌باشد. نظریه‌هایی مانند (نئو)رنالیسم که از معرفت‌شناسی اثبات‌گرایی بهره می‌گیرند، این «حقیقت عینی» را در ابعاد تحلیلی نظریه خود مدنظر قرار می‌دهند و در توصیف خود از مسایل مختلف بر جنبه‌های عینی (مادی و نه معنایی) تأکید می‌نمایند. مثلاً در توصیف مفهوم «قدرت» بر جنبه‌های عینی (مادی) قدرت نظیر توپ، تانک، جنگنده، طلا، جمعیت و ... تأکید می‌نمایند. اثبات‌گرایان (پوزیتیویست‌ها) را «خرد‌گرا» نیز می‌نامند. «خرد‌گرایان» رفتار دولت را براساس «رویکرد گزینش عقلانی» که در علم اقتصاد مطرح است و براساس آن هر بازیگر در پی به حداکثر رسانیدن منافع خود می‌باشد، تحلیل می‌نمایند. اگرچه نظریه‌های (نئو)رنالیستی می‌توانند ابزارهایی مادی و عینی نظیر پیگیری سیاست «Regime Change»، تحریم اقتصادی، تهاجم نظامی به خاک ایران، رویارویی دریایی در خلیج فارس و ... که ایالات متحده آن را در مواجهه با «جمهوری اسلامی» به کار می‌گیرد را تبیین نمایند، لکن از پاسخگویی به سوالاتی نظیر این که «چرا روسای جمهور ایالات متحده این سیاست‌ها را علی‌رغم هزینه‌هایی که برای این کشور دارد، دنبال می‌نمایند؟» و چرا «مردم ایالات متحده چنین سیاست‌هایی را تحمل می‌نمایند؟» عاجز خواهند ماند. سوالاتی که نه تنها برای روزنامه‌نگاران و علاقه‌مندان به مباحث سیاسی بلکه برای محققان روابط بین‌الملل نیز مطرح هستند. «چرا افکار عمومی ایالات متحده تصاویر اجساد سوخته و نیمه سوخته سربازان آمریکایی در منطقه رباط خان طبس (هزاران کیلومتر دورتر از خاک آمریکا) را تحمل نمود؟»، «چرا افکار عمومی ایالات متحده از «کارت» که در زمان حکومت محمدرضا پهلوی، ایران را جزیره ثبات خوانده بود توضیح نخواستند که چرا مردم آن جزیره ثبات پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۱ فوریه ۱۹۷۹ با لفظ تروریست مورد خطاب قرار می‌گیرند؟»، «زمانی که خبرنگاران و ملوانان مستقر بر عرشه ابرنفت کش «بریجتون» پس از برخورد با مین دریایی که توسط نیروهای ایران کاشته شده بود به هوا پرتاب شدند و تصاویر ابرنفت کش تخریب شده «بریجتون» بر شبکه‌های تلویزیونی و صفحه اول روزنامه‌های ایالات متحده نقش بسطت چرا بازهم افکار عمومی معترض و متعرض ریگان، رئیس‌جمهور ایالات متحده نگردید که ایالات

-
1. rational
 2. rational choice approach

متحدہ به چه دلیل می‌باید به منظور اسکورت نفت کش‌های کویتی چنین هزینه‌ای را متحمل گردد؟» و ...

اما چرا چنین اقداماتی که کاملاً غیرعادی و غیرطبیعی هستند، موجه و مشروع جلوه‌گر می‌شوند؟ چه چیزی مردم ایالات متحده و حتی بسیاری از کشورهای جهان را متقاعد می‌سازد که استفاده دولت ایالات متحده از چنین ابزارهایی را تحمل نمایند؟

این پژوهش در پی پاسخ به این سوال اصلی که «اقدامات ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی را با کدام یک از نظریات امنیتی بهتر می‌توان تبیین یا فهم نمود؟» این فرضیه را ارائه می‌دهد که «ابزارهای غیرعادی نظیر پیگیری سیاست «Regime Change»، تحریم اقتصادی، تهاجم نظامی به خاک ایران، رویارویی دریایی در خلیج فارس و ... که ایالات متحده آن‌را در مواجهه با «جمهوری اسلامی» به کار می‌گیرد، به واسطه «امنیتی کردن» تهدید «انقلاب اسلامی» توسط روسای جمهور مختلف ایالات متحده می‌باشد».

بنابراین در این پژوهش و به منظور پاسخگویی به سوالاتی نظیر سوالات فوق از نظریه «امنیتی کردن» (مطابق نگرش مکتب کپنهاگ) بهره گرفته می‌شود، زیرا «امنیتی کردن» مسائل، فرایندی بیناذهنی است و در اجتماع صورت می‌گیرد: آیا فلان موضوع به عنوان امری که باید بقای آن تضمین شود از مشروعیت عمومی برخوردار است تا بازیگران بتوانند به آن به عنوان یک تهدید استناد کنند و براین اساس، دیگران را وادار به پیروی از اقداماتی کنند که در غیر این صورت مشروع قلمداد نمی‌شد یا دست کم آن‌ها را متقاعد سازند که اتخاذ چنین اقداماتی را تحمل کنند (بوزان، ویور و دو ویلد، ۱۳۹۵، صص. ۶۳-۶۲). بنابراین در «امنیتی کردن» دیگر بحث هزینه-فایده مطرح نیست و تنها موضوع نتیجه‌بخش بودن یا نبودن کنش گفتاری «امنیتی کردن» مطرح می‌باشد.

از آن‌جا که در بررسی کنش گفتاری «امنیتی کردن» تأکید بر سخنان عمومی بازیگر امنیتی‌کننده (بدون استفاده از روش تحلیل گفتمان خاصی) می‌باشد در این پژوهش نیز بررسی سخنان و پیام‌های روسای جمهور ایالات متحده در دستور کار قرار می‌گیرد. بدین منظور از سایت «The American Presidency Project» استفاده گردید که سخنان، پیام‌ها و ... تمامی روسای جمهور ایالات متحده در آن قرار دارد. کلید واژه «Iran» در قسمت جستجوی سایت جستجو گردید و یافته‌های زیادی به دست آمد که به صورت گزینشی در این پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بدین منظور لازم است که در ابتدا تعریف نظریه «امنیتی کردن» و سپس اجزا و مولفه‌های اصلی آن مورد بررسی قرار گیرد و پس از آن به نحوه «امنیتی کردن» تهدید «انقلاب اسلامی» توسط روسای جمهور مختلف ایالات متحده پرداخته شود.

تعریف «امنیتی کردن»

«امنیتی کردن» به عنوان چارچوب نظری پژوهش حاضر در کنار «بخش‌ها» (اشاره به تمایز بین امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی دارد) و مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای، سه انگاره اصلی مکتب کپنهاگ را شکل داده است. (Wæver, 2004: 8)

امنیتی کردن را می‌توان نوع حادثی از سیاسی کردن دانست.^۱ از لحاظ نظری، هر مسأله عمومی را می‌توان روی طیفی جای داد که از امور غیرسیاسی (که دولت با آن کاری ندارد) تا امور سیاسی (که بخشی از سیاست‌گذاری همگانی است) تا امور امنیتی (که نیازمند اتخاذ تمهیدات اضطراری است) کشیده شده است (بوزان، ویور و دو ویلد، ۱۳۹۵: ۵۱).

در نظریه «امنیتی کردن»، «امنیت» نه به عنوان یک شرط عینی بلکه به عنوان نتیجه یک فرایند اجتماعی خاص تلقی می‌گردد: ساخت اجتماعی موضوعات امنیتی (چه چیزی یا چه کسی؛ و از چه چیزی باید مصون بماند؟) با بررسی «کنش‌های گفتاری امنیتی کردن» که از طریق آن «تهدیدات» بازنمایی یا شناخته می‌شوند، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند (Williams, 2003, p.513).

امنیت چه زمانی وجود دارد؟ با کمک گرفتن از نظریه زبان ما می‌توانیم امنیت را به عنوان یک کنش گفتاری در نظر بگیریم. در این معنا، در نظر گرفتن «امنیت» آن گونه که یک نشانه به چیزهای واقعی تر اشاره دارد، حاصلی ندارد بلکه پاره گفتاری است که خودش یک کنش است. با گفتن آن، چیزی انجام می‌شود (همان گونه که در شرط بندی، وعده دادن و نام گذاری یک کشتی چیزی انجام می‌شود). با گفتن «امنیت»، نماینده دولت؛

1. securitization can thus be seen as a more extreme version of politicization

2. who or what is being secured, and from what

۳. Utterance در زبان شناسی ساخت گرا، به بخشی از گفتار اطلاق می‌گردد که قبل و بعد از آن سکوت باشد.

از این رو، پاره گفتار را نباید با جمله یکسان دانست. زیرا ممکن است بسیاری از پاره گفتارها تنها از یک واژه یا گروهی از واژه‌ها یا از یک جمله ناقص تشکیل شده باشند. هر آن چه که فرد قبل یا بعد از صحبت شخص دیگری می‌گوید، پاره گفتار نامیده می‌شود. مثلاً اگر از فردی سوال گردید که «آیا کارت را انجام دادی؟» پاسخ «بلی» یا «خیر» آن فرد یک پاره گفتار محسوب می‌گردد. (مک‌دائل، ۵۴)

4. state representative

تحولی ویژه در یک منطقه خاص ایجاد می‌نماید و در نتیجه یک حق ویژه برای استفاده از هر ابزاری که برای مسدود نمودن آن منطقه لازم است قائل می‌شود (Wæver, 1995; 55). موضوع امنیتی (توسط یک بازیگر امنیتی کننده) تهدیدی برای بقای یک مرجع (دولت، ملت، نظم اقتصادی لیبرال بین‌المللی، جنگل‌های بارانی) تعریف می‌شود که ادعا می‌نماید حق بقا دارد. در بقا، نقطه‌ای بدون بازگشت وجود دارد که نشان می‌دهد برای عمل کردن خیلی دیر شده است، لذا نمی‌توان این موضوع را به سیاست عادی محول کرد. بخش امنیتی کننده ادعا می‌نماید حق استفاده از ابزارهای غیرعادی یا نادیده گرفتن قواعد عادی، به‌خاطر امنیتی بودن موضوع را دارد (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۸۲).

مبانی فلسفی نظریه امنیتی کردن

از آن‌جا که «امنیتی کردن» در مکتب کپنهاگ ریشه در تأملات «الی ویور» دارد (دهقانی فیروزآبادی و قرشی، ۱۳۹۱: ۹) بررسی نگرش «ویور» به‌منظور فهم مناسب نظریه «امنیتی کردن» اجتناب‌ناپذیر می‌گردد. خود «ویور» نظریه امنیتی کردن را ملهم از نظریات ۴ اندیشمند بزرگ «جان ال. آستین»، «ژاک دریدا»، «کارل اشمیت» و «کنت والتز» می‌داند (Floyd, 2010, p.9).

جان ال. آستین

«ویور» در مقاله «ایدئولوژی‌های تثبیت» که به‌عنوان بخشی از رساله دکتری وی در سال ۱۹۹۷ منتشر گردیده، می‌نویسد: «امنیت، اساساً یک کنش گفتاری یا به‌طور دقیق‌تر یک «کنش غیربیانی» می‌باشد [...] امنیت، صدایی است که هنگامی که صاحبان قدرت ادعا می‌نمایند که نیاز به استفاده از یک حق ویژه برای جلوگیری از بروز تحولات خاص از طریق ارجاع به امنیت دولت می‌باشد، طنین‌انداز می‌گردد. یک حق ویژه برای استفاده از ابزارهای غیرعادی که فراتر از فهرست سیاست‌های روزمره باشد. یک حق ویژه که در تصویر اولیه از دولت مدرن که تأمین‌کننده امنیت و ثبات به‌عنوان وظیفه اصلی می‌باشد، ریشه دارد.» (Floyd, 2010, p. 10).

«جان لانگشاو آستین» استاد فلسفه اخلاق دانشگاه آکسفورد، مبدع نظریه «کنش‌های گفتاری» است. وی این نظریه را در دهه ۱۹۳۰ مطرح کرد و بعدها در سال ۱۹۵۵ آن را در

1. Ideologies of Stabilization
2. everyday politics
3. John Langshaw Austin

مجموعه سخنرانی‌هایی که در دانشگاه هاروارد با نام «ویلیام جیمز» برگزار می‌شد، گسترش داد (طباطبائی لطفی و قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۳-۱۲).

در مجموعه سخنرانی‌های «آستین» که پس از مرگش با عنوان «چگونه با واژگان کار انجام دهیم»، نظریه «کنش گفتاری» با جزئیات دقیق مطرح شده است. در این کتاب با اثرپذیری از نظریه «بازی‌های زبانی» ویتگنشتاین، «آستین» مطرح می‌نماید که تا به امروز فلسفه تنها دلمشغول «گزاره‌ها» بوده است که می‌تواند صادق یا کاذب باشند و لزوماً «توصیفی» هستند (آستین آن‌ها را «اخباری» می‌نامد) (Floyd, 2010: 11).

«آستین» نظریه کنش گفتاری را در واکنش به سه اصل مطرح نمود که در میان منطق‌دانان اثبات‌گرا، مبنای بررسی معنی بود. این سه اصل عبارت‌اند از:

نخست) جملات خبری، گونه اصلی جملات زبان هستند.

دوم) کاربرد اصلی زبان، اطلاع دادن از طریق جملات است و

سوم) صدق و کذب معنای اظهارات زبانی (یا پاره‌گفتارها) را می‌توان تعیین کرد. (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۷)

مطابق نظریه «کنش گفتاری»، ارتباط کلامی صرفاً رد و بدل کردن جملات نیست، بلکه وقتی صحبت می‌کنیم، در واقع فعلی را نیز انجام می‌دهیم. بنابراین اظهارات زبانی را می‌توان ذیل چهار عنوان از کنش گفتاری طبقه‌بندی نمود که عبارت‌اند از: بیان‌گشایانه، اخباری، اخلاقی و انشائی^۱. نوع چهارم پاره‌گفتارها که یکی از انواع مهم آن به‌شمار می‌رود، پاره‌گفتارهای انشائی است. «آستین» مطرح نمود که دسته‌ای از پاره‌گفتارها، ناظر به کنش یا عمل هستند و او این گونه پاره‌گفتارها را پاره‌گفتارهای انشائی نامید. در این نوع پاره‌گفتارها، تحقق هر اظهار، هم‌زمان با انجام شدن کنش است. آستین برای نشان دادن کاربرد کنش‌های گفتاری در زبان، به برخی از رویدادهای اجتماعی همچون «شرط‌بندی» و «ازدواج» استناد می‌کند و بر این باور است که لفظ «بله» که عروس و داماد می‌گویند یا عبارت «شرط می‌بندم» که در شرط‌بندی‌ها استفاده می‌شود، به شکل‌گیری نوعی کنش می‌انجامد. (طباطبائی لطفی و قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۵-۱۳) بنابراین در پاره‌گفتارهای انشائی به‌جای «صدق» یا «کذب»، بحث برسر «به‌جا» یا «نا به‌جا» بودن است. اگر گفته‌گوینده

-
1. How to do things with words
 2. Phatic, Constative, Ethical, Performative

پاره گفتار انشائی اجرا شود، پاره گفتار انشائی وی «به جا» و در غیر این صورت «نا به جا» خواهد بود.

در چارچوب نظریه «کنش گفتاری»، «آستین» معتقد است در هر موقعیتی، عملی که با تولید یک پاره گفتار بیان می‌شود، در بردارنده سه نوع کنش مرتبط به هم است: الف) کنش بیانی؛ عبارت از تولید صداها، واژه‌ها، عبارات و جملات معنادار زبان می‌باشد. حاصل بیان مجموعه‌ای از واژگان به همراه معانی صریح آن‌ها اعم از مفهوم و مصداق است.

ب) کنش منظوری یا غیربیانی؛^۲ که عبارت است از منظور گوینده که می‌تواند اظهار موضوعی، بیان تعهدی، ارائه پیشنهاد یا درخواست کمک و مانند این‌ها باشد. معمولاً اصطلاح «کنش گفتاری» به همین کنش برمی‌گردد.

ج) کنش تأثیری یا پس‌بیانی؛^۳ در حقیقت پیامد پاره گفتار است. تأثیری که گوینده در پی ایجاد آن در مخاطب است، از جمله احساس تنفر، ترس، ترغیب و نظایر آن می‌باشد. (ویسی و اورکی، ۱۳۹۴، صص. ۱۱-۱۰) (جعفری و رضائی، ۱۳۹۳: ۴۱۰).

هنگامی که گوینده به مخاطب می‌گوید «پنجره را ببند» گوینده در بیان این جمله در ابتدا، واژه‌های معناداری را اظهار نموده یا مطابق تعبیر آستین، گوینده «کنش بیانی» را انجام داده است. ضمن آن که گوینده با بیان «پنجره را ببند»، «امر» نموده و در نتیجه، از منظر آستین، گوینده «کنش منظوری یا غیربیانی» را انجام داده است. اگر عبارت یاد شده، بسته شدن پنجره را در پی داشته باشد، یعنی مخاطب از «امر» گوینده اطاعت نماید، مطابق تعبیر آستین، گوینده کنش سوم یعنی «کنش تأثیری یا پس‌بیانی» را نیز انجام داده است (سرل، ۱۳۸۵: ۳۳).

ژاک دریدا

دریدا در مقاله خود با عنوان «امضاء، رویداد، زمینه»^۴ که در سال ۱۹۸۲ منتشر گردید، استدلال می‌نماید که اگرچه نظریه کنش‌های گفتاری آستین نوآورانه است، لکن در برخی جنبه‌های بسیار مهم که «زمینه» را به عنوان یک داده ثابت در نظر می‌گیرد، دچار نقصان

-
1. locutionary act
 2. illocutionary act
 3. perlocutionary act
 4. Signature, Event, Context
 5. context as a fixed given

است. چنین «زمینه» ثابتی و همچنین «حاضر بودن» غیرممکن است. مطابق دیدگاه «دریدا»، برای آستین هر پاره‌گفتار و هر «زمینه»، تابع اشاعه معنا، فرایندی که در آن زمینه اصلی تغییر می‌کند، می‌باشد. در واژه‌شناسی «دریدا» تمامی زمینه‌ها تابع «چندمعنایی غیرقابل تقلیل» می‌باشند. «زمینه» نمی‌تواند همواره ثابت باشد، بلکه همواره در حال سیلان و تغییر پی‌درپی است (Floyd, 2010, p. 14).

کارل اشمیت

دیگر متفکری که دیدگاه‌های «ویور» ملهم از وی بوده است، «کارل اشمیت» می‌باشد. کارل اشمیت (۱۸۸۸-۱۹۸۵) یکی از بحث‌برانگیزترین متفکران سیاسی و حقوقی و از نظریه‌پردازان برجسته قرن بیستم است.

برای اشمیت، آن‌چه که یک موضوع را «سیاسی» می‌سازد، یک رابطه ویژه قوی است که بازیگران نسبت به آن موضوع احساس می‌کنند. در شکل کامل آن، این «حاد سازی» منجر به یک تقسیم‌بندی کامل بین دوست و دشمن در رابطه با هر موضوع خاص می‌گردد. امر سیاسی، آن‌گونه که اشمیت تعبیر می‌نماید «تضاد قوی‌ترین و بی‌نهایت‌ترین است و هر تضاد انضمامی که خیلی بیشتر سیاسی گردد، به نهایه‌ترین نقطه دسته‌بندی دوست-دشمن نزدیک می‌شود.» (Williams, 2003, pp.515-516).

اشمیت دشمن‌سازی، یعنی ساختن یک دشمن فرضی و انتزاعی را مهم‌ترین مفهوم ابزاری در کل مقوله سیاست می‌داند. وی معتقد است که گوهر بازی سیاسی، دوست و دشمن است. اشمیت معتقد است هر جا بازی دوست-دشمن ایجاد می‌شود و هر جا مرزی ایجاد می‌شود و میان دوست و دشمن تفارق ایجاد می‌کند، سیاست ظهور می‌یابد. (حمیدی، ۱۳۹۴: ۳۲).

دومین جنبه از اندیشه اشمیت که از اهمیت ویژه‌ای در رابطه با نظریه «امنیتی‌کردن» برخوردار است، روش‌هایی می‌باشد که در آن درک وی از مفهوم «سیاسی» به‌عنوان رابطه بین دوست و دشمن تعریف شده است و مربوط به نظریه تصمیم‌گرایانه حاکمیت او می‌باشد. برای اشمیت، حاکمیت برحسب کنش [اخذ] تصمیم از طریق صلاحیت اخذ تصمیم قطعی جهت مقابله با مجادلات هنجاری یا حقوقی در درون دولت و مخصوصاً اخذ

-
1. the presence of being
 2. a diffusion of meaning
 3. utterance

تصمیم هنگامی که تهدید برای نظم غالب سیاسی به نقطه‌ای که به منزله «اضطراری» محسوب می‌گردد، می‌رسد و نیازمند تعلیق رویه‌ها و قواعد عادی می‌باشد که نظم سیاسی به خودی خود در صدد حفظ آن است، تعریف می‌گردد. این موارد شرایطی هستند که اشمیت به عنوان «استثناء» مشخص می‌کند و در این عبارت مختصر و مفید توصیف می‌نماید: «فرمانروا کسی است که در استثناء تصمیم می‌گیرد.» (Williams, 2003, pp.515-517). اشمیت معتقد است که «امر استثناء آن چیزی است که نمی‌تواند [در قانون] گنجانده شود.» (نظری، ۱۳۹۴: ۱۰۳).

کنت والتز

چهارمین و آخرین اندیشمندی که الهام‌بخش فکری «ویور» در نظریه‌پردازی نظریه امنیتی کردن می‌باشد، «کنت والتز» می‌باشد. تبیین والتز از آن‌چه که یک نظریه به‌منظور «در برگیری» نیاز دارد و آن‌چه که برحسب تعریف خارج از یک نظریه خاص می‌باشد، تأثیری حیاتی در نظریه امنیتی کردن دارد. بنابراین «ویور» بیش از حد بر این ایده صحه می‌گذارد که یک نظریه نمی‌تواند همه چیز را دربرگیرد و یک نظریه دارای مرزهایی می‌باشد. دیدگاه والتز دو واکنش مستقیم را در نظریه امنیتی کردن موجب شده است: اول، برای مکتب کپنهاگ نیز امنیت هم‌مرز با بقا می‌باشد. دوم، «شرایط اجتماعی درباره موضوع اقتدار بازیگر امنیتی‌کننده» براساس مدل والتزی یا به‌طور کلی نگرش رئالیستی درباره مفهوم توزیع قابلیت‌ها در درون نظام طرح‌ریزی شده است. هرچه قابلیت یک بازیگر امنیتی‌کننده بیشتر باشد، احتمال موفقیت این بازیگر در امنیتی کردن موضوعات بیشتر خواهد شد. به عبارت دیگر، این‌که یک بازیگر بتواند یا نتواند یک موضوع را امنیتی کند، به موقعیت بازیگر در درون سلسله‌مراتب اجتماعی نظام (در اینجا حکومت) بستگی دارد.» (Floyd, 2010, pp. 19-22).

شرایط تسهیل‌کننده

در امنیتی کردن بر این پرسش‌ها تأکید می‌گردد که چه زمانی، تحت چه شرایطی، چه کسی، چه موضوعی را امنیتی می‌کند. موضوع امنیتی - یا تهدید امنیتی - نامیدن یک چیز باعث متحول شدن آن می‌شود و در فرایند سیاسی امنیتی کردن است که پویای

1. coterminous

2. when and under what conditions who securitises what issue.

امنیتی از یکدیگر مجزا می‌گردند. اگرچه نظریه امنیتی کردن به «شرایط تسهیل کننده» ای اشاره می‌نماید که احتمال امنیتی کردن را تغییر می‌دهند (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۸۲). شرایط تسهیل کننده شرایطی است که کنش گفتاری را نتیجه‌بخش می‌سازد. کنش گفتاری موفقیت‌آمیز تلفیقی است از زبان و جامعه، از ویژگی‌های ذاتی زبان و ویژگی‌های گروهی که اجازه کنش گفتاری را می‌دهد و آن‌را به رسمیت می‌شناسد. موفقیت هر کنش گفتاری دو دسته شرایط دارد:

۱) شرایط درونی و زبانی-دستوری

منظور پیروی از قواعد کنش می‌باشد. در میان شرایط درونی هر کنش گفتاری، از همه مهم‌تر پیروی از قالب امنیتی، دستور زبان امنیت و درانداختن طرحی است که متضمن تهدید وجودی، نقطه بدون بازگشت و راه احتمالی برون‌رفت باشد- دستور زبان امنیت به‌علاوه گویش یا لهجه خاص بخش‌های مختلف؛ به‌عنوان مثال سخن گفتن از هویت در بخش اجتماعی، از شناسایی و حاکمیت در بخش سیاسی، از پایداری در بخش زیست محیطی و مانند آن.

۲) شرایط بیرونی، زمینه‌ای و اجتماعی

منظور بهره‌مند بودن از جایگاهی است که با اتکای به آن بتوان کنش یاد شده را عملی ساخت. (اشخاص و اوضاع و احوال خاص موجود در هر مورد مشخص باید برای توسل به آیین خاصی که بدان توسل جسته می‌باشد مناسب باشند). جنبه بیرونی کنش گفتاری دو شرط عمده دارد: یکی سرمایه اجتماعی بیان کننده یا بازیگر امنیتی کننده بدین معنی که بازیگر یاد شده باید در جایگاه اقتدار باشد هرچند که لازم نیست این اقتدار شکل رسمی داشته باشد.

دومین شرط بیرونی به تهدید بازمی‌گردد. اگر بتوان به امور مشخصی که عموماً تهدیدکننده تلقی می‌شوند- نظیر تانک‌ها، احساسات خصمانه یا آب‌های آلوده- اشاره کرد احتمال قوی‌تری وجود دارد که بتوان تهدید امنیتی را مجسم ساخت (بوزان، ویور و دو ویلد، ۱۳۹۵: ۶۴-۶۵).

واحدهای تحلیل امنیت

رویکرد مبتنی بر کنش گفتاری در قبال امنیت، نیازمند تمایز میان سه نوع از واحدها یعنی «مرجم امنیت»، «بازیگران امنیتی کننده» و «بازیگران کارکردی» که در تحلیل امنیت نقش دارند، می‌باشد:

الف) مراجع امنیت

چیزهایی که موجودیت آن‌ها در معرض تهدید انگاشته می‌شود و دعوی مشروعی برای بقا دارند. (بوزان، ویور و دو ویلد، ۱۳۹۵: ۷۰-۶۹). در اصل، بازیگران امنیتی کننده می‌توانند تلاش نمایند که هر چیزی را به‌عنوان یک مرجع امنیت تلقی کنند. مرجع امنیت آن چیزی است که شما می‌توانید بدان اشاره نمائید و بگوئید: «حق زنده ماندن دارد، بنابراین لازم است که ...» (Buzan & Wæver, 2009, p. 255).

ب) بازیگران امنیتی کننده

بازیگرانی که با اعلام در معرض تهدید بودن موجودیت چیزی - یکی از مراجع امنیت - مسائل را امنیتی می‌کنند.

ج) بازیگران کارکردی

بازیگرانی که بر پویای یک بخش تأثیر می‌گذارند. این بازیگران نه از مراجع امنیت هستند و نه جزو بازیگرانی که خواهان تضمین امنیت یکی از مراجع امنیت می‌شوند، می‌باشند لکن تأثیر چشم‌گیری بر تصمیمات متخذه در حوزه امنیت می‌گذارند. (بوزان، ویور و دو ویلد، ۱۳۹۵: ۶۹-۷۰).

به‌طور کلی می‌توان گفت که در مطالعات «امنیتی کردن»، تهدیدها تنها زاییده ذهن و زبان نیستند، بلکه تکوین تهدید نیازمند حضور عناصر خارجی و جسمانی هم می‌باشند. از این رو، تهدیدها مستند به امور عینی هستند. ضمن آن‌که در فرایند امنیتی کردن، مخاطب و بازیگر امنیتی کننده از وزن یکسان برخوردار می‌باشند، به‌گونه‌ای که حضور مخاطب توانمندکننده، سبب تحقق و موفقیت آمیز بودن ادعای بازیگر امنیتی کننده است. همچنین اظهار یا بیان امنیت (امنیتی کردن) به سبب عدم توان برای مدیریت کردن یک پدیده با استفاده از ابزارهای سیاسی است (دهقانی فیروزآبادی و قرشی، ۱۳۹۱: ۴۰).

بررسی روند امنیتی کردن «انقلاب اسلامی» توسط روسای جمهور ایالات متحده

روش بررسی کنش‌گفتاری امنیتی کردن «انقلاب اسلامی» توسط روسای جمهور ایالات متحده در این پژوهش مبتنی بر بررسی سخنان، پیام‌ها، مصاحبه‌ها و ... این افراد می‌باشد. دسترسی به این موارد از طریق سایت معتبر «*The American Presidency Project*» میسر گردید که سخنان، پیام‌ها، مصاحبه‌ها و ... تمامی روسای جمهور ایالات